

عنوان مقاله: آینده‌شناسی آموزش عالی: راهبردها و پیامدهای سازگاری دانشگاه با محیط و جامعه

رضا مهدی^۱

دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۵

پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۱

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۰ روز نزد پدیدآوران بوده است.

چکیده:

هدف این پژوهش، شناسایی و اعتباریابی راهبردهای سازگار کردن نظام دانشگاهی با محیط علمی و اجتماعی و پیامدهای دانشگاه سازگارشونده است. در جهان پویا بخش‌های مهمی از آموزش عالی و دانشگاه نسبت به قدرت، فرهنگ، دولت و صنعت به صورت نهاد محافظه‌کار تقریباً استایستا باقی مانده و در مقایسه با دهه‌های اول نیمه دوم قرن بیستم که دانشگاه به نهاد معتبر جامعه تبدیل شد اعتبار آن را روند نزولی مواجه شده است. سازگاری با محیط، یکی از الزامات توسعه پایدار و فعل نظام دانشگاهی در شرایط تغییر شتابان است. سازگاری دانشگاه با محیط یک معیار اساسی برای کیفیت آموزش عالی است. امروز، با توجه به افزایش نرخ تغییر و ظهور عصر دانش، موج آینده‌پژوهی در نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فناوری گسترش یافته است. از دو دهه گذشته، همسو با تحولات جامعه و به منظور شناخت آینده و سیاستگذاری نظام دانشگاهی، آینده‌اندیشی در آموزش عالی، ضرورت پیدا کرده است. در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی مرور استناد و نظریه مبنایی، راهبردهای سازگاری کردن دانشگاه با محیط و پیامدهای این نوع دانشگاه با رویکرد اکتشافی و آینده‌نگر بر مبنای الگوی هنجاری دانشگاه مطلوب استخراج شده است. برای شناسایی و اعتباریابی راهبردها و پیامدها از کدگذاری‌های باز و محوری روش نظریه مبنایی استفاده شده است. در این پژوهش، با تعیین دانشگاه سازگار با محیط و جامعه به عنوان مقوله کانونی آینده‌شناسی در آموزش عالی، ۱۳ راهبرد و چهار پیامد کلیدی دانشگاه سازگار با محیط، شناسایی و تقویت شده است. نظام دانشگاهی باید به وسیله راهبردهای پیشنهادی با محیط‌های علمی و اجتماعی به طور مستمر سازگار شده و با جامعه در حال تغییر، دائماً در تعادل پویا باشد. سیاستگذاران آموزش عالی، باید الزامات و شرایط محیطی، علی و زمینه‌ای مناسب و سازنده برای تحقیق و فعلیت راهبردهای سازگاری دانشگاه با محیط را فراهم کنند.

کلیدواژه‌ها: آموزش عالی، آینده‌پژوهی، دانشگاه آینده، برنامه‌ریزی راهبردی، کیفیت در آموزش عالی.

آینده‌شناسی آموزش عالی: راهبردها و پیامدهای سازگاری دانشگاه با محیط و جامعه

مقدمة

مسئله کیفیت یکی از مسائل اساسی آموزش عالی است (یمنی، ۱۳۹۱). اصولاً در مباحث دانشگاه و آموزش عالی اولین پرسش این است که کدام دانشگاه و کدام آموزش عالی؟ پاسخ به این پرسش حداقل دارای دو بعد اصلی شامل رسالت‌های نظام دانشگاهی و آموزش عالی و ویژگی‌های این رسالت‌هاست. بعد دوم پاسخ به پرسش کدام دانشگاه و کدام آموزش عالی، به زبان حرفه‌ای می‌تواند کیفیت^۱ نامیده شود. تعاریف مختلفی برای کیفیت در آموزش عالی ارائه و از منظرهای متغیر این توجه شده است. به عنوان نمونه، Birnbaum (1994) معتقد است مفهوم کیفیت متفاوتی به آن توجه شده است. به این توجه دارای ماهیت چندبعدی است و برداشت‌های مختلفی از آن وجود ترجیح‌آمیخته دارد. به نظر وی، ایده و مفهوم کیفیت مبتنی بر داوری‌هایی است که در مورد ارزشمندی و تناسب ویژگی‌ها و صفات خاص انجام می‌شود. وی، سه منظر از کیفیت در آموزش عالی شامل منظر شایستگی، منظر اجتماعی و منظر فردی تبیین کرده است.^۲ در منظر شایستگی، کیفیت دانشگاه بر اساس انطباق با هنجارها و استانداردها و شاخص‌های پژوهشی، تخصصی، ملی و جهانی در آموزش عالی ارزشیابی می‌شود. در این فرآیند، استانداردها و شاخص‌های آکادمیک به عنوان گروه مرجع به کار برده می‌شوند. در منظر اجتماعی، کیفیت بر اساس میزانی که دانشگاه در قبال جامعه متعهد شده و اقدام به تامین نیازهای مهم جامعه و افراد می‌کند مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در منظر فردی، کیفیت دانشگاه بر اساس میزان مشارکت و فراهم آوردن تجارت عالی یادگیری و کمک‌های دانشگاه در رشد شخصی دانشجویان و اعضای هیات علمی ارزیابی می‌شود. در این منظر، میزان یادگیری فرد، مرجعی برای قضاوت درباره کیفیت است. می‌توان با توجه به تمامی منظرهای کیفیت، توسعه متوازن و پایدار آموزش عالی و دانشگاه را تضمین کرد.

در دنیای معاصر، واژه تغییر و تحول یکی از واژگان و پارادایم‌های مورد اجماع بیشتر سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مجریان نظامهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیستمحیطی و

1. Quality
2. Meritocratic, Social & Individualistic Views

فناوری^۱ است. در موقعیت و شرایط تغییر مستمر، بقای هر موجودیت و ارگانیسم در گرو سازگاری و انطباق با شرایط زیستیوم و محیط است (پایا، ۱۳۷۹). امروزه، در جهان پویا نرخ تغییر به اندازه‌های زیاد است که بدون انطباق و سازگاری واقعی با آن، ادامه حیات برای موجودیت‌ها و ارگانیسم‌های طبیعی و اعتباری امکان‌پذیر نیست. در عصر دانش، با توجه به افزایش نیاز جامعه به دانش و فناوری، دانشگاه‌ها به عنوان موجودیت‌ها و ارگانیسم‌های اعتباری نظام اجتماعی، دارای اهمیت و نقش ممتازی شده‌اند. تعهدات کارکردی در مقابل پیشرفت‌های فکری، فرهنگی و اقتصادی جامعه و بهبود اوضاع و شرایط محلی و ملی، حاکی از ارزش و جایگاه نظام دانشگاهی و آموزش عالی است. به علاوه، کمک به شور و نشاط فکری، پیشرفت و رفاه اقتصادی، تربیت شهروندان فرهیخته، پرورش نسل نو پیشگام در زمینه دانش، خدمات اجتماعی به مردم، صنعت، دولت و جامعه و ایجاد فرصت‌های یادگیری مدام‌العمر از تعهدات کارکردی نظام دانشگاهی بوده و مبنی جایگاه بدبیل آموزش عالی است (Hirsch & Weber, 1999). سازگاری دانشگاه و آموزش عالی با محیط یک معیار مهم و مترقبی برای کیفیت آموزش عالی است. به تبییر Delanty دانشگاه، جهانی کوچک در جامعه بزرگ‌تر بوده و از زمان پیدایش تاکنون، بخش‌های مهمی از آن دانشگاه نسبت به تحولات جامعه و محیط پیرامونی تقریباً ایستاده است. در مقایسه با دهه‌های اول نیمه دوم قرن بیستم که دانشگاه به عنصر معتبر جوامع تبدیل شد اعتبار آن دارای روند نزولی بوده است (دلاتی، ۱۳۸۶). دانشگاه نسبت به قدرت، فرهنگ، دولت و صنعت، به صورت نهاد محافظه‌کار باقی مانده است. امروزه، با توجه به افزایش نرخ تغییر در جامعه و ظهور عصر دانش و با هدف خلق آینده مطلوب، آینده‌شناسی و آینده‌پژوهی^۲ برای سازمان‌ها و نهادها به یک الزام تبدیل شده است (Anayatollah, 2005). هماهنگ با جریان کلی تغییرات در جهان و گسترش موج آینده‌پژوهی، آینده‌پژوهی در آموزش عالی نیز به عنوان یکی از پیش‌نیازهای اصلی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت نظام دانشگاهی ضروری شده است. در این پژوهش، با استفاده از روش ترکیبی مرور اسناد و نظریه مبنایی^۳، راهبردها و پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط با رویکرد اکتشافی و آینده‌پژوهانه، استخراج و ارائه شده است. این پژوهش دارای پنج بخش شامل پیشینه و چارچوب مفهومی، روش پژوهش، مفاهیم کلیدی آینده‌پژوهی آموزش عالی، راهبردهای سازگار کردن دانشگاه با محیط و پیامدهای کلیدی دانشگاه سازگارشونده و نتیجه‌گیری است.

-
1. PEEST
 2. Futurology & Futures Study
 3. Documentary Review & Grounded Theory

چارچوب مفهومی

ماهیت تغییر و تحول در آموزش عالی و دانشگاه

آموزش عالی و دانشگاه تجربه ارزشمند و قابل اعتنایی در همزیستی تحولی در رویارویی با زیست‌بوم تخصصی و محیط پیرامونی دارد. هر چند تحولات دانشگاه آرام، موثر و قابل تأمل است، ولی دانشگاه پدیده‌ای ناگهانی نبوده و دارای تاریخ پر فراز و نشیب و تحولی است (یمنی، ۱۳۸۸). از منظر Drucker «آموزش عالی در بحران عمیقی به سرمه برد و تا ۳۰ سال آینده، دانشگاه‌های بزرگ فقط بنای یادبود خواهند بود» (Hirsch & Weber, 1999). با تأمل در تاریخ و اسامی دانشگاه‌های معتبر دنیا می‌توان دریافت که تقریباً از دانشگاه‌های معتبر جهان در دو هزار سال گذشته تا زمان تاسیس دانشگاه‌های مدرن در قرن ۱۲ میلادی، حتی بنای یادبود هم باقی نمانده است. این واقعیت، گویای امکان تحولات وسیع دانشگاه‌ها تا حد نابودی است. شواهد زیادی در این زمینه وجود دارد. برای ایرانیان، اثرباری از دانشگاه بین‌المللی گندی شاپور عصر ساسانی نمانده است. امروزه، برای مردم مصر دانشگاه موزیوم اسکندریه مفهوم چندانی را تداعی نمی‌کند. مردم هند از دانشگاه تاکسیلا و دانشگاه ویکrama سیلا اثرباری در توسعه و مسئله‌گشایی نمی‌بینند. اثرباری از دانشگاه بیت‌الحکم بگداد، قابل مشاهده نیست. همچنین، در دنیای معاصر برای دانشگاه‌های اروپایی مبتنی بر الگوی Humboldt روند جدایی آموزش و پژوهش به منزله پایان حیات این نوع دانشگاه‌های جامع و مشابه در سراسر جهان است. با بررسی و ملاحظه شرایط و رسالت الگوی دانشگاه‌های مبتنی بر الگوی دانشگاهی Bologna که به موجب تنگناها و فشار مالی لاجرم به پژوهش‌های سفارشی روی آورده‌اند، به نوعی پایان حیات خود را به شکل خاص، تجربه و تمرین می‌کنند و نمی‌توانند ادعا کنند که هنوز پایین‌دادن اصول و سنت‌های دیرین و قبلی خود هستند. به عبارتی، این دانشگاه‌ها خود را به لحاظ کارکردی و ماهیتی، محو کرده و حیات مجددی را با کارکردها و رسالت‌های نو آغاز کرده‌اند. از این‌رو، این دانشگاه‌ها متحول شده و با وضعیت قبلی متفاوت هستند.

در عصر دانش، برخی دانشگاه‌های معتبر جهان مجبور شده‌اند از نظام‌های مدیریتی سازمانی (بنگاهداری اقتصادی) استفاده کنند. این موضوع دانشگاه‌ها را از حالت مکان‌های سنتی خودمختار خارج و تا حدودی به بنگاه‌های کسب‌وکار تبدیل کرده است. اکنون در فضای دانشگاهی مدرن و پسامدرن، سنت و اعتقاد مبنی بر دانش ذاتاً بالارزش و قابل تحقق در برج عاج آکادمی رنگ

۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶- ۷- ۸- ۹- ۱۰- ۱۱- ۱۲- ۱۳- ۱۴-

باخته است (دلانتی، ۱۳۸۶). به تعبیر زیبای (1999) Ginkel ارزوای باشکوه نظام دانشگاهی رو به پایان است و به تعبیر (1999) Lin Tien ایده مقدس انجاری و تغییرناپذیری دانشگاه در حال تضعیف است. دانشگاه‌ها همانند بنگاه‌های تجاری برای جذب دانشجو، استاد و اعتبارات با هم رقابت می‌کنند (Power, 1997) و دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها چهره مدیریتی تری نسبت به گذشته پیدا می‌کنند (Cohen & March, 1974)، به طوری که به تعبیر (1996) Dominelli & Hogvelt نظام دانشگاهی رواج یافته است.

با استناد به ادعاهای شواهد و پیش‌بینی‌های فوق، امکان اضمحلال شکلی و کارکردی نهاد دانشگاه وجود دارد. در دنیای معاصر، این اضمحلال در ماهیت برخی از دانشگاه‌ها و برخی کارکردهای دانشگاهی کاملاً مشهود است. دانشگاه‌های مدرن (دانشگاه‌هایی که تاریخ پیدایش آنها کمتر از هزار سال بوده و بیشتر آنها متعلق به قرن بیستم هستند) دارای منشاء معینی هستند. به طور عمومی ریشه و منشاء دانشگاه‌های غربی در دانشگاه بولونیا و تحرك پژوهشی دانشگاه‌های آمریکای شمالی ریشه در الگوی Humboldt داشته و در بیشتر کشورهای کمتر توسعه یافته، سنت دانشگاهی ریشه در استعمار داشته و در کشورهایی کمتر توسعه یافته مستقل، نظام دانشگاهی از دانشگاه‌های غربی تقليد شده و وارداتی است (یمنی، ۱۳۸۲). دانشگاه در صورتی می‌تواند نقش تاریخی خود را در آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی حفظ کند که خود را با تعییرات بخش‌های مختلف جامعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فناوری سازگار کند (Gardner, 1999).

در دو انقلاب بزرگ علمی، دانشگاه‌ها علاوه بر ماموریت^۱ آموزشی، دارای ماموریت پژوهشی و ماموریت نوآوری فناورانه شده‌اند. در واقع، کارآفرینی علمی منتج از ماموریت نوآوری فناورانه دانشگاه‌هاست (مهدی، ۱۳۸۸). Morin بر این باور است که امروزه علم در قلب جامعه مستقر شده و در عین گسترش تاثیر و نفوذ خود بر جامعه، به تعیین فنی-بوروکراتیک سازمان صنعتی کار تن می‌دهد (مورن، ۱۳۷۹). بر اساس نظام ملی نوآوری^۲، دانشگاه، صنعت و دولت مرزهای مشخص و معینی دارند. نوآوری فناورانه کار ویژه صنعت، توسعه علم و آموزش کار ویژه دانشگاه و سیاستگذاری و ایجاد انگیزش نوآوری، کار ویژه دولت است. نوآوری در اثر تعامل میان صنعت و دانشگاه در بازار تحقیق و توسعه به وجود می‌آمد. با بروز تحول جدید در تولید دانش و ظهور سبک ۲ و انقلاب دوم علمی و ظهور اقتصاد و جامعه دانش‌بنیان، مرزهای دانشگاه، صنعت و دولت نادقيق

-
1. Academic Taylorism
 2. Mission
 3. National Innovation System (NIS)

و مختلف شده است (Etzkowitz & Leydesdorff, 2000). در چارچوب الگوی پویای نوآوری، تسهیل روابط دانشگاه، صنعت و دولت بر مبنای الگوی پیچش سه‌جانبه¹ دانشگاه-صنعت-دولت، یکی از سیاست‌های اصلی دولتها در عصر دانش است. در دنیای معاصر، صنعت و پژوهش (علم و جامعه) آنچنان در هم تنیده شده‌اند که هر روز تعارض و مناقشه جدیدی میان منافع پژوهشگران (علم و دانشگاه) و منافع تجاری (صنعت و بنگاه) ایجاد می‌شود. بسیاری از دانشگران یا گروه‌های پژوهشی، زیر کنترل بنگاه‌های صنعتی سودجو قرار می‌گیرند (بوردیو، ۱۳۸۶).

جريان کلی پدیده‌های جهان حاکی از بالا بودن نرخ تغییرات است. هم‌راستا با تغییر و تحول نهادهای جامعه، سرعت تغییرات دانشگاه‌ها همچنین بیشتر می‌شود. عصر کشاورزی بیش از پنج هزار سال طول کشید و عصر صنعت حدود صد و پنجاه سال استمرار داشت (تافلر، ۱۳۷۴). پیش‌بینی این است که عصر دانش طول عمر کمتری خواهد داشت و اعصار دیگری متولد خواهد شد. با توجه به روند گذشته و تغییرات وسیع جامعه، نیاز به دانش به طور فزاینده‌ای در آینده بیشتر خواهد شد.

به اعتقاد کوی² (۱۳۷۸) نظام آموزشی در زمینه ملی³ قرار دارد و از سیاست حکومت و در عین حال از سطح عمومی و توسعه اقتصادی و اجتماعی به ویژه فرهنگی تاثیر می‌پذیرد. زمانی که ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دگرگون می‌شوند نظام آموزشی نیز با فاصله زمانی، تغییر می‌کند (کوی، ۱۳۷۸). سه انقلاب مهم شامل انقلاب صنعتی، انقلاب دموکراتیک و انقلاب آموزشی، مدرنیته را شکل داده‌اند (Parsons & Platt, 1973). در واقع، انقلاب آموزشی به دنبال انقلاب صنعتی و انقلاب دموکراتیک بوده و بر اساس الزامات و نیازهای انقلاب صنعتی و دموکراتیک ایجاد شده است. در آینده نیز با توجه به تغییر ماهیت انقلاب صنعتی و انقلاب‌های دموکراتیک و ظهور عصر دانش، ماهیت انقلاب آموزشی تغییر خواهد کرد. تغییر دائمی، قانون ثابت حاکم بر جهان است. در شرایط تغییر، بقای هر موجودیت و ارگانیسم طبیعی و اعتباری منوط به سازگاری با شرایط تحولی زیست‌بوم و محیط پیرامونی است. در زیست‌بوم‌های معرفتی و اجتماعی برخلاف زیست‌بوم‌های طبیعی، انطباق موفق با عمل آگاهانه و تصمیم ارادی موجودیت و ارگانیسم ارتباط دارد (پایا، ۱۳۷۹). دانشگاه، جهانی کوچک در جامعه بزرگ‌تر بوده (Delanty, 2001) و نظام و کارکردهای نظام دانشگاهی نمی‌تواند در جهان پویا، ایستا بماند. ایستایی نظام و کارکردهای دانشگاه‌ها در شرایط پویا به معنای مرگ و نابودی آنها خواهد بود.

-
1. Triple Helix
 2. Khoi
 3. National Context

پویایی نظام دانشگاهی و سازگاری آن با تحولات علمی و محیطی باید بر اساس اقدامات، راهبردها و سیاست‌های معین و طرح‌ریزی شده محقق شود. همچنین، نتایج آینده‌پژوهی‌های مراکز و متخصصان بر جسته آموزش عالی (جدول ۱) و مرور تاریخ سرنوشت و سرگذشت دانشگاه‌های دنیا و سیر تحولات نظام دانشگاهی در یک قرن اخیر، همه نشان از ضرورت تغییر و تحولات نظام دانشگاهی و انطباق فعال آن با شرایط محیطی و جامعه دارد. بی‌تجهی به ضرورت، روند و پیامدهای تغییر می‌تواند برای نظام دانشگاهی، جامعه و پایداری توسعه دانشگاه و توسعه پایدار ملی زیانبار باشد. بنابراین، یکی از محورهای کلیدی بحث درباره نظام آموزش عالی و نهاد دانشگاه، مسئله مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در قبال نیازهای متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری و زیستمحیطی است که تحقق این کارکرد صرفاً منوط به درجه انطباق و سازگاری آموزش عالی و نهاد دانشگاه با محیط علمی و اجتماعی است. دانشگاهی که قادر قدرت سازگاری با هنجارها و سازوکارهای علمی و اجتماعی است چگونه می‌تواند در مواجهه با نیازها و مسائل محیطی پاسخگو و مسئله‌گشایش باشد. از منظر کیفیت دانشگاه‌های گذشته قادر به تامین و تضمین کیفیت در ابعاد فردی، شایستگی و اجتماعی (Birnbaum, 1994) نبوده و لازمه آموزش عالی کیفی، تحول در نهاد دانشگاه در رویارویی با محیط و مسائل و نیازهای مبتلا به جامعه و نظامهای پیرامونی است.

آینده‌پژوهی و آینده‌شناسی در آموزش عالی و دانشگاه

بشر به واسطه برخورداری از عقل، میل به جاودانگی، رقابت و اشتیاق فراوان برای تسلط بر طبیعت، همواره به فکر آینده خود، فرزندان، خانواده، کسب‌وکار، محله، روستا، شهر، جامعه، کشور و جهان بوده است. در این میان، انسان سعی کرده است برای آینده و اتفاقات آن از سطحی از آمادگی برخوردار باشد. تقلا برای آینده‌شناسی همزاد انسان بوده و ریشه بسیاری از آداب، رسوم و سنن تاریخی نظیر ستاره‌شناسی، غیبگویی، کفبینی و طالع‌بینی در آن نهفته است (مافي، ۱۳۹۰).

تفاوت عمده آینده‌نگری بشر معاصر با انسان‌های گذشته، پیچیدگی واقعیت‌ها، نظاممندی و رعایت اصول علمی در مطالعات آینده است. به عبارتی، آینده‌پژوهی، دانش و معرفتی است که سازمان را نسبت به رویدادها، فرصت‌ها و تهدیدهای احتمالی آتی آگاه کرده، ابهام‌ها، تردیدها و دغدغه‌های آن را کاهش داده و توانایی انتخاب‌های هوشمندانه را افزایش می‌دهد. به طور کلی، آینده‌پژوهی ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است (تاج‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۱). آینده‌پژوهی، دانش-فناوری^۱ نوپدیدی است که به لحاظ گستردگی و تنوع حوزه‌های همپوشان و مرتبط، دستاوردها و

1. Techno-Science

راهبردی برای جوامع، سازمان‌ها و افراد داشته است. امروزه، با توجه به تحولات موجود یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظام‌یافته و کل نگر در عرصه‌های سیاستگذاری، تصمیم‌سازی و راهبردنگاری، آینده‌پژوهی است (قربانی، ۱۳۹۱). آینده‌پژوهی به منزله یک مفهوم میان‌رشته‌ای^۱ و فرارشته‌ای، امکان شناسایی رویدادها و روندهای موثر در شکل‌گیری تحولات آینده و دستیابی به تصویری روشن از آینده را فراهم می‌کند.

همسو با تحولات جهانی و در پاسخ به تغییرات محیطی در دو دهه اخیر، تلاش‌های زیادی برای آینده‌شناسی، آینده‌پژوهی، شناسایی و تحلیل تهدیدها و فرصت‌ها و تدوین سناپریوهای آموزش عالی و نظام دانشگاهی انجام شده است. فهرستی از این تلاش‌ها به شرح جدول ۱ ارائه شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تلقی‌ها و برداشت‌ها در مورد چالش‌ها و آینده آموزش عالی متفاوت است. برخی خبرگان و پژوهشگران، افزایش رقابت، تغییر جریان‌های درآمد، روندهای جمعیت و نیروی کار، فناوری و تغییر ادراک عمومی را ابرهای تاریک در افقی که آموزش عالی را تهدید می‌کند، می‌پنداشند. برخی، این تحولات را عوامل تغییر^۲ قلمداد می‌کنند که آموزش عالی را قادر می‌کند، می‌پنداشند. هدف از آینده‌پژوهی در آموزش عالی، پیش‌بینی آینده نیست، بلکه شناسایی نیروهایی است که در حال ایجاد تغییر هستند و فهم کاربری ظرفیت آنها برای آموزش عالی است (Goldstein, 2006).

همچنین، آینده‌پژوهی در آموزش عالی عبارت است از شناسایی پیش‌ران‌های^۳ تغییر و بررسی انواع فرصت‌ها و تهدیدها برای آموزش عالی، دانشگاه‌ها و حوزه‌های کارکردی، فهم چگونگی آماده شدن دانشگاه‌ها برای مدیریت تغییر و شناسایی حوزه‌هایی که رهبران باور دارند آموزش عالی می‌توانند جهت شکل دهی آینده خود اقدام کند.

به عبارتی، آینده‌پژوهی در آموزش عالی به معنای یافتن چالش‌ها و خلق آینده مطلوب با طراحی و اجرای راهبردها و اقدامات در زمینه محلی، ملی و جهانی است. در موضوع آینده‌پژوهی آموزش عالی درباره سه پرسش زیر اتفاق نظر وجود دارد:

۱- آموزش عالی و دانشگاه‌ها در حال رفتن به کجا هستند؟

۲- آموزش عالی و دانشگاه‌ها باید به کجا بروند و چرا باید به آنجا بروند؟

۳- آموزش عالی و دانشگاه‌ها چگونه می‌توانند به آنجا برسند؟

همچنین، در اغلب آینده‌پژوهی‌های انجام‌شده پرسش‌های زیر مطرح شده‌اند:

-
1. Interdisciplinary
 2. Change Agents
 3. Drivers

چگونه در آینده، آموزش عالی تغییر اساسی خواهد کرد؟ چه بخش‌هایی از آموزش عالی به طور چشمگیرتر از سایر بخش‌ها تغییر خواهند کرد؟ چه عواملی در حال ایجاد فشار برای تغییر در آموزش عالی هستند؟ در واقع، محور همه مطالعات آینده‌نگر در آموزش عالی شامل عوامل و پیشران‌های تغییر^۱، کم و کیف تغییر، بخش‌ها و کارکردهای تغییر، فرصت‌ها و تهدیدهای است.

جدول ۱: یافته‌های مطالعات آینده‌پژوهی در آموزش عالی

ردیف	منبع	چکیده یافته‌ها
۱	بنیاد رهبری آموزش عالی ^۲ انگلیس، (Huisman <i>et al.</i> , 2011)	آینده آموزش عالی با دو ستاره‌یوی اصلی تحلیل و ارزیابی شده است. بر اساس این مطالعه، آموزش عالی انگلیس با چالش‌های جدی روبرو بوده و باید چشم‌انداز خود را در مولفه‌هایی نظری تامین کنند گان خصوصی، دانشگاه‌های پژوهشی، دسترسی به آموزش عالی، تامین مالی، آموزش، یادگیری، دانشجویان و امور خارجی تغییر دهد.
۲	راهبرد ملی برای آموزش عالی تا ۲۰۳۰ (The Strategy Group, 2011)	چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آموزش عالی در دهه‌های آینده بررسی شده است. تغییر ترکیب جمعیت دانشجویی، بازار کار، یادگیری مادام‌العمر و مهارت بیشتر، پژوهش با کیفیت بالا، مشارکت بیشتر در آموزش برای ایجاد اقتصاد نوآور، بین‌المللی شدن، حکمرانی و رهبری علمی، تامین مالی از جمله موضوعاتی هستند که باید در آینده آموزش عالی مورد توجه باشند.
۳	چگونه جو به سمت آموزش تغییر می‌کند (Bussey, 2010)	نحوه پرورش ارزش‌ها و شرایط در آموزش عالی با تمرکز بر الگوی سه‌وجهی کشش آینده، وزن تاریخ و فشار آینده، بررسی شده است. بر اساس این پژوهش باید چشم‌انداز، سیاست‌ها و ارزش‌ها در آینده‌نگری آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد.
۴	بنیاد رهبری آموزش عالی در انگلیس (Kubler & Sayers, 2010)	آینده آموزش عالی در ۹ سرفصل شامل رسالت و چشم‌انداز، مواجهه با جوامع و ذی‌نفعان، انتخاب جهت‌گیری راهبردی، دولت و بازار، ابعاد جهانی اقتصاد دانش، مشارکت بخش خصوصی، روابط دانشگاه-صنعت، ارتباط میان دولت، آموزش عالی و نیروهای بازار، ارزیابی شده است.

1. Change Drivers
2. The Leadership Foundation for H.E. (LFHE)

ادامه جدول ۱: یافته‌های مطالعات آینده پژوهی در آموزش عالی

ردیف	منبع	چکیده یافته‌ها
۵	امکان‌پذیری مدیریت آینده (Watson, 2010)	امکان مدیریت واقعی دانشگاه‌های آینده در شش فراز کلی شامل فهم گذشته و حال، تفصیل حقوق منابع، فهم کسب و کار، کمک به شناخت یک جهت حرکت مثبت، مواجه با جهت حرکت، اعتماد خوش‌بینانه به جامعه علمی مطالعه شده است.
۶	تصویرسازی ۲۰۳۵: آینده آموزش عالی (Blass, Jasman & Shelley, 2009)	آینده آموزش عالی انگلیس تا سال ۲۰۳۵ ترسیم شده و پنج سناریوی اصلی شامل ایجاد دانش پیشرو، دانش پاسخگو، اختلاطهای محلی، تامین مالی غیردولتی، تامین مالی دولتی برای آینده آموزش عالی بریتانیا بررسی و تحلیل شده است.
۷	سناریوهای آموزش عالی آینده (Conway, 2008)	چهار پیشran شامل جهانی شدن، چندرهنگی شدن، اینترنت و سیاست، شناسایی و تحلیل شده است. آموزش عالی در آینده متأثر از این پیشran‌ها خواهد بود.
۸	تهدیدها و فرصت‌های آموزش عالی (Brown et al., 2008)	۱۴ پیشran اصلی نظری سطح توسعه اقتصادی، تامین مالی دولتی و سه سناریو شامل اضطراب تدریجی با تعییر، بازار محوری و یادگیری منعطف کارفرمamحور برای آموزش عالی شناسایی، مقایسه و بررسی شده است.
۹	نظام آموزش عالی مصر: به سوی کیفیت بهتر در آینده (Sebai, 2006)	سه فرآینروی پیشran اجتماعی موثر بر آینده آموزش عالی مصر شامل نقش اقتصادی آموزش عالی، افزایش رقابت، افزایش مصرف‌گرایی و مسئولیت ارزیابی شده است.
۱۰	دانشگاه بین‌المللی فلوریدا (FIU, 2006)	کلان‌نیروهای پیشran در جامعه و آموزش عالی شامل اقتصاد، جهانی شدن، فناوری اطلاعات و ارتباطات، جامعه دانش، مصرف‌گرایی و سرمایه انسانی مطالعه شده است.
۱۱	شورای انجمن‌های مدیریت آموزش عالی آمریکا و کانادا ^۱ (Goldstein, 2006)	پیشran‌های تعییر نظری منابع مالی، تعییر جمعیت دانشجویی، افزایش رقابت در ابعاد دانشجو، هیات علمی و منابع را برای ۱۰ سال آینده آموزش عالی آمریکا و کانادا پیش‌بینی و ضرورت تعییر در آموزش عالی تبیین شده است.

ادامه جدول ۱: یافته‌های مطالعات آینده پژوهی در آموزش عالی

ردیف	منبع	چکیده یافته‌ها
۱۲	مرکز تحقیقات آموزشی و نوآوری ^۱ OECD (OECD, 2005)	چهار سناریو برای آینده آموزش عالی در سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه شامل شبکه‌ای شدن آزاد، خدمت به جامع محلی، مسئولیت عمومی جدید، بنگاه آموزش عالی، طرح و ارزیابی شده است.
۱۳	آموزش عالی و دانشگاه‌ها در قرن ۲۱ (Boer et al., 2002)	روندها و چشم‌اندازهای آموزش عالی و پژوهش در قرن ۲۱ دست‌کم در هفت منظر شامل توسعه فناوری، بازاری شدن، پیشرفت جامعه شبکه‌ای، پیشرفت جامعه دانش، روندهای اجتماعی - فرهنگی ^۲ و جمعیت‌شناسختی بررسی و تحلیل شده است.
۱۴	هیرش و ویر (گردهمایی گلیون در سال ۱۹۹۸)	هفت چالش عمده آموزش عالی در هزاره سوم شامل محیط در حال تغییر، رسالت‌ها، داشتجویان، آموزش، حرفه دانشگاهی، منابع مالی آموزش عالی، حکمرانی علمی بررسی و برای مواجهه اصولی با این چالش‌ها پیشنهادهایی ارائه شده است.
۱۵	مفهوم‌شناسی آینده پژوهی در آموزش عالی (مهدي، ۱۳۹۲ الف)	برنامه‌ریزی سناریو با تأکید بر تحولات پرتاب اجتماعی و فرهنگی روشن مناسب و موثری برای تدوین جهت‌گیری آینده آموزش عالی است. باید این سناریوها با مشارکت همه ذی‌نفعان آموزش عالی با تمرکز بر رسالت نهادی هر دانشگاه و نحوه انتساب آن با نیازها و تغییرات محیطی تحلیل و تنظیم شود.

- شورای مدیریت انجمن‌های آموزش عالی (CHEMA, 2006) پرسش‌های کلیدی درباره نظام و کارکردهای دانشگاهی را به شرح زیر طرح کرده است:
۱. چگونه می‌توان اقتصاد دانشگاهها و کارکردهای دانشگاهی را به نحوی تغییر داد که قادر باشند هزینه‌ها را با تامین انتظارات در حال افزایش مخاطبان مهار کنند؟
 ۲. آیا درباره چگونگی اثرگذاری تغییر جمعیت‌شناسختی روی ترکیب دانشجویان، فهم و شناخت کافی وجود دارد؟ آیا اقدامات لازم برای استقبال از تنوع دانشجویان طراحی و انجام شده است؟

1. CERI
2. Socio-Cultural Changes

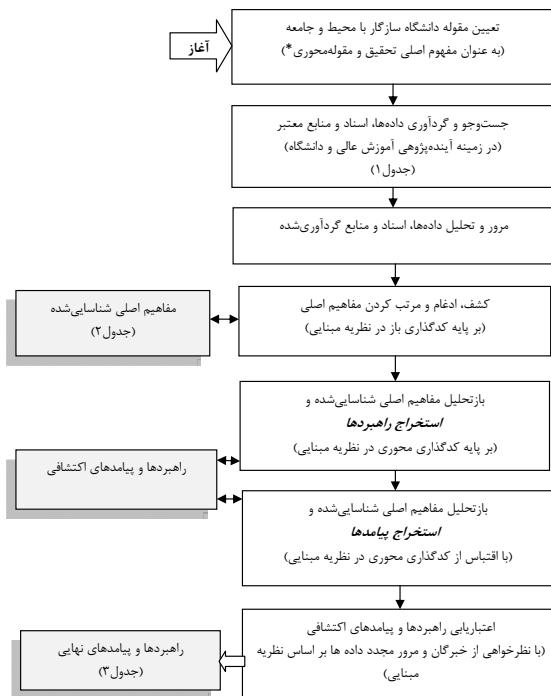
۳. آیا در مورد رقابت‌ها و بازارهای رقیب دانشگاه‌ها و کارکردهای دانشگاهی، شناخت کافی وجود دارد؟
۴. آیا در زمان محدودیت منابع مالی، به قدر کافی درباره نحوه حمایت کارکردهای دانشگاه‌ها از ماموریت گستردۀ و راهبردهای دانشگاهی، کار و تدبیر شده است؟
۵. آیا برای جذب و حفظ نیروی انسانی دانشگاه‌ها (اعضای هیات علمی) آمادگی کافی وجود دارد؟ آیا برای توسعه یا یافتن نسل بعدی رهبران دانشگاه‌ها و کارکردهای دانشگاهی، اقدامی شده است؟ در مطالعات انجام‌شده از سوی بویر و همکاران، حداقل هفت روند جامع درباره آینده آموزش عالی و دانشگاه‌ها شناسایی و تبیین شده‌اند (Boer *et al.*, 2002): توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، بازاری شدن آموزش عالی و علم، جهانی شدن، بین‌المللی شدن و منطقه‌ای شدن، پیشرفت جامعه شبکه‌ای، پیشرفت جامعه دانش، تغییرات اجتماعی و فرهنگی، تغییرات جمعیت‌شناختی. از نظر (Blass, Jmsman & Shelley 2009) علاوه بر روندهای هفت‌گانه بالا، بازار دانشجویان غیرسترنی، دموکراسی و نقش رسانه از دیگر روندهای جامع موثر بر آینده دانشگاه‌ها هستند. بنابراین، بر اساس یافته‌های پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه آینده آموزش عالی و دانشگاه‌ها می‌توان جمع‌بندی کرد که نیروهای جامعه با قدرت و شدت بیشتری در حال فشار برای تغییر و تحول در آموزش عالی و دانشگاه‌ها هستند. دانشگاه‌ها باید خود را با تغییرات مورد نظر جامعه، منطبق و سازگار کنند. عدم انطباق و سازگاری با جامعه، سرآغازی بر نابودی و اضمحلال فیزیکی یا ماهیتی دانشگاه و کارکردهای آن خواهد بود. موضوع اصلی آینده‌پژوهی در آموزش عالی، شناسایی نظاممند نیروها و پیشرانهای تغییر، فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از تغییرات، طراحی چشم‌انداز و آینده مطلوب برای آموزش عالی و دانشگاه اثربخش و طراحی راهبردها و اقدامات موثر برای دستیابی به آینده مطلوب است.

روش پژوهش

با توجه به مطالعات انجام‌شده و استناد و منابع موجود، جست‌وجوی زیادی برای انتخاب روش پژوهش مناسب برای ارائه فرآیند کلان آینده‌پژوهی در آموزش عالی به عمل آمد. در نهایت با بررسی روش‌ها و همفکری با برخی صاحب‌نظران، ترکیبی از روش مرور اسنادی و نظریه مبنایی، برگزیده شد (شکل ۱). در این پژوهش، اطلاعات و داده‌های مورد نیاز از منابع و اسناد آینده‌پژوهی درباره آموزش عالی و دانشگاه‌ها با تمرکز بر بازه زمانی یک دهه اخیر به شرح جدول ۱ گردآوری و سازماندهی شده است. مطابق روش نظریه مبنایی، جست‌وجو، مرور و تحلیل اسناد و داده‌ها تا زمان احساس اشباع نظری^۱،

1. Theoretical Saturation

استمرار داشته است. منابع و اسناد، همانند نمونه‌گیری در روش مصاحبه، با رعایت اصل اشباع نظری به تعدادی انتخاب و بررسی شده‌اند که با مرور و بررسی آنها نکته و مفهوم جدیدی قابل استخراج نباشد (استراس و کورین، ۱۳۸۷). نکته اساسی این پژوهش، حساسیت نظری^۱ ناشی از تخصص و دانش پژوهشگر در زمینه آموزش عالی و آشنایی با مفهوم مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی و آینده‌پژوهی است. برای اعتباریابی نتایج (راهبردها و پیامدها) علاوه بر پنج بار مرور داده‌ها و اسناد، از آرای ۱۰ نفر از متخصصان آموزش عالی و برنامه‌ریزی راهبردی استفاده شده است. از خبرگان درخواست شد که نظر خود را در زمینه درستی راهبردها و پیامدهای پیشنهادی برای سازگار کردن دانشگاه با محیط پیرامونی ابزار کنند. این کار در دو مرحله انجام شد. آنچه در این پژوهش ارائه شده است نظر نهایی بیشتر خبرگان و صاحب‌نظران آموزش عالی و برنامه‌ریزی راهبردی و مرور و تحلیل نهایی داده‌ها و اسناد (جدول ۱) است.



شكل ۱: فرایند و مراحل پژوهش و استخراج راهبردها و پیامدها

تعیین دانشگاه سازگار با محیط و جامعه به عنوان مفهوم اصلی پژوهش و مقوله محوری در نظریه

1. Theoretical Sensitivity

مبناei، بر اساس مطالعات و پیش زمینه پژوهش قبلی است (مهری، ۱۳۹۲ الف). به علاوه، یمنی، خبره برجسته آموزش عالی و نظام دانشگاهی، پیشتر با نگارش یک مقاله مبسوط روی مفهوم دانشگاه سازگارشونده تاکید کرده است (یمنی، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۱). بهزعم نگارنده این پژوهش، هر موضوعی که مورد توجه و تاکید یمنی باشد شایستگی و ظرفیت انتخاب برای مطالعه و پژوهش بیشتر را دارد.

مفاهیم کلیدی آینده‌شناسی در آموزش عالی

بر مبنای مرحله کدگذاری باز در نظریه مبنایی و مرور و تحلیل داده‌ها و اطلاعات اسناد گردآوری شده (به شرح جدول ۱)، ۴۷ مفهوم کلیدی^۱ در زمینه آینده‌شناسی در آموزش عالی به شرح جدول ۲ شناسایی شده است.

جدول ۲: مفاهیم کلیدی آینده‌شناسی در آموزش عالی

مفهوم کلیدی	مفهوم کلیدی
- دانشگاه در خدمت توسعه محلی و ملی	- جهانی شدن، بین‌المللی شدن و منطقه‌ای شدن
- تحول سازمان، ارزش‌ها و چشم‌انداز دانشگاه	- افزایش سن و تغییر ترکیب جمعیت و نیروی کار
همانگ با نیازهای تحولی جامعه	- ظهر اقتصاد، جامعه و صنعت دانش
- افزایش نقش اقتصادی آموزش عالی	- مدیریت مالی دانشگاه با افزایش درآمدها و تنوع منابع
- ایجاد ساختارها و فرسته‌های یادگیری منعطف، مجازی و مادام‌العمر	- توسعه دموکراسی و ترویج مشارکت اجتماعی
- ارتقای بهره‌وری برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی دانشگاه	- توسعه حرفة دانشگاهی با اهداف توسعه فردی و مسئولیت در برابر دانشگاه و جامعه
- ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی دانشگاه	- افزایش مشارکت و همکاری میان دانشگاه‌ها، استادان و دانشجویان
- تقاضا برای آموزش سن سوم، مادام‌العمر و مجازی	- نیاز به یادگیری منعطف کارفرمای محور
- کاهش اولویت تامین مالی بخش آموزش عالی برای دولت	- توسعه مطالعات و برنامه‌های میان‌رشته‌ای
- عدم تمايل بخش خصوصي به تامين مالی دانشگاه بدون اعمال نفوذ	- بازنگري در گروه‌های آموزشی و پژوهشی
- محدودیت‌های مالی دانشگاه	

جدول ۲: مفاهیم کلیدی آینده‌شناسی در آموزش عالی

مفاهیم کلیدی	مفاهیم کلیدی
<ul style="list-style-type: none"> - رقابت در زمینه درون دادها، فرآیندها، بروندادها - توسعه همکاری های دانشگاه با صنعت و دولت - تجاری سازی برنامه های آموزشی و پژوهشی - بازارگرا شدن آموزش عالی - افزایش دانشجویان در حال کار و کاهش ساعت حضور در داخل پردیس ها - جایه جایی بین المللی دانشجویان - توسعه کاربری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کارکردهای دانشگاه - هماهنگی با پدیده جهانی شدن - ورود موسسات مجازی و انتفاعی به صنعت آموزش عالی - سازگاری و انصباط دانشگاه با محیط در حال تغییر - ساختار تصمیم گیری و مدیریتی متناسب با تحولات اجتماعی - بروز شکاف فرهنگی به سبب تامین مالی دانشگاه از بخش خصوصی و صنعت - کاهش موانع ورود به بازار آموزش عالی - سرمایه گذاری های خصوصی در آموزش با منطقه هزینه - فایده 	<ul style="list-style-type: none"> - نیاز به سرمایه گذاری های جدید در آموزش عالی - توسعه فناوری بالانصرف فناوری اطلاعات و ارتباطات و رسانه - افزایش تنش در انتظارات دانشجویان و دانشگاه - مداخله مستمر دولت برای ارتقا و تضمین کیفیت دانشگاه - اصلاح ساختار تصمیم گیری و شیوه اداره امور دانشگاه - بی ثباتی در بازارهای کار و موقعیت های اشتغال - خدمت به جامعه محلی و ملی - افزایش بهره وری برنامه های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی - تغییر ترکیب و تنوع دانشجویان و دریافت کنندگان خدمات از دانشگاه - تولید علم نافع در دانشگاه - تنوع بیشتر تامین کنندگان آموزش عالی - تربیت شهروندان فرهیخته با صلاحیت علمی و حرفة ای و مسئولیت اجتماعی بالا - افزایش روزافروزن رقابت برای جذب منابع، بازار و مشتری

راهبردها و پیامدهای کلیدی

پس از شناسایی مفاهیم کلیدی آینده‌شناسی در آموزش عالی (به شرح جدول ۲)، بر پایه

کدگذاری محوری در نظریه مبنایی و مرور و تحلیل مجدد داده‌ها، راهبردها^۱ (۱۳ راهبرد) و پیامدهای^۲ (چهار پیامد) دانشگاه سازگار با محیط پیرامونی (جامعه در حال تغییر و تحول)، به شرح جدول ۳ شناسایی و اعتباریابی شده است.

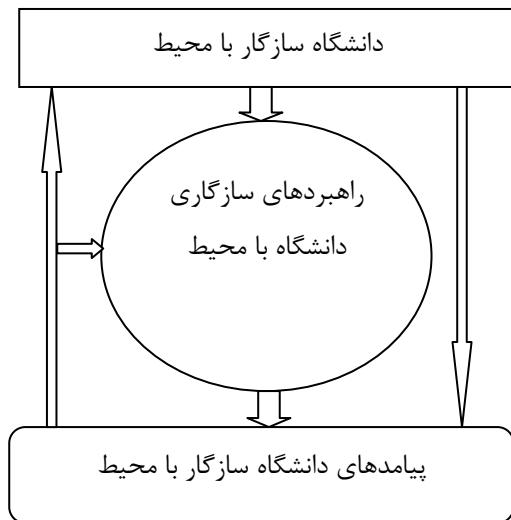
جدول ۳: راهبردها و پیامدهای کلیدی

راهبردهای کلیدی سازگار کردن دانشگاه با محیط
۱. توسعه روابط علم و جامعه و همکاری با صنعت و دولت ۲. مدیریت مالی دانشگاه با افزایش درآمدها و تنوع منابع مالی ۳. اصلاح ساختار تصمیم‌گیری و شیوه اداره امور دانشگاه ۴. تربیت شهروندان فرهیخته با صلاحیت علمی و حرفه‌ای و مسئولیت اجتماعی بالا ۵. ایجاد ساختارها و فرسته‌های یادگیری منعطف، مجازی و مادان‌العمر ۶. بازنگری مستمر در گروههای آموزشی و پژوهشی ۷. ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی ۸. ارتقای بهره‌وری (کارایی و اثربخشی) برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی ۹. توسعه فعالیت‌ها و برنامه‌های میان‌رشته‌ای ۱۰. بازتعریف استقلال و آزادی علمی همانگ با اهداف گروه، دانشگاه و جامعه ۱۱. توسعه حرفه دانشگاهی با اهداف توسعه فردی و مسئولیت در برابر دانشگاه و جامعه ۱۲. تجاری‌سازی برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی ۱۳. افزایش مشارکت و همکاری میان دانشگاه‌ها، استدان و داشجویان
پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط
۱. تولید علم نافع در دانشگاه ۲. دانشگاه در خدمت توسعه محلی و ملی ۳. دانشگاه بهره‌ور، کیفی، کارآفرین، مسئولیت‌پذیر و پاسخگو ۴. تحول سازمان، ارزش‌ها و چشم‌انداز دانشگاه همسو با نیازهای تحولی جامعه

همچنان که در روش پژوهش آمده است برای اعتباریابی راهبردها و پیامدها علاوه بر پنج بار مرور داده‌ها و اسناد، از آرای ۱۰ نفر از متخصصان آموزش عالی و برنامه‌ریزی راهبردی استفاده شده است. از خبرگان خواسته شد نظر خود را در زمینه درستی و اثربخشی راهبردها و پیامدهای اکتشافی برای سازگار کردن دانشگاه با محیط پیرامونی (جامعه در حال تغییر) اعلام کنند. این کار در دو گام انجام شد. جدول ۳، حاصل مرور و تحلیل نهایی داده‌ها و اسناد موجود و نظر نهایی بیشتر خبرگان و صاحب‌نظران آموزش عالی و برنامه‌ریزی راهبردی است.

1. Strategies
2. Consequences

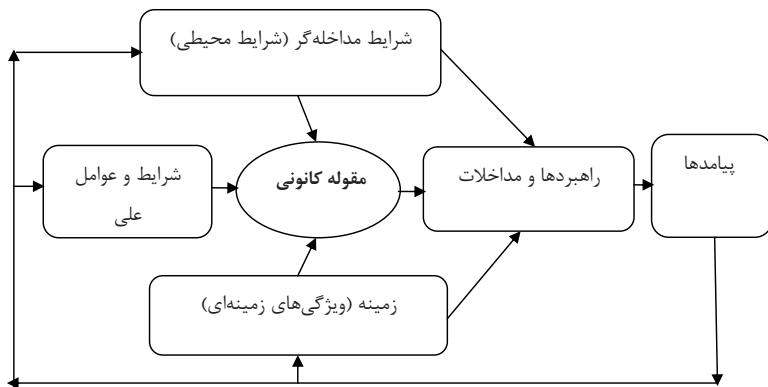
بر اساس شکل ۲، سازگاری دانشگاه با محیط پیرامونی (جامعه در حال تغییر و تحول) نیازمند اتخاذ راهبردهای اثربخش است. راهبردهای اثربخش می‌تواند سازگاری دانشگاه با محیط را تسهیل و محقق کند. سازگاری دانشگاه با محیط به صورت مستقیم و از طریق راهبردهای دارای پیامدهای ویژه‌ای است. همچنین، بر اساس اصل بازخورد در رویکرد سیستمی، پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط بر روی سازگاری دانشگاه با محیط و راهبردهای سازگار کردن دانشگاه با محیط پیرامونی، موثر است.



شکل ۲: روابط راهبردها و پیامدها در دانشگاه سازگار با محیط

لازم به یادآوری است **الگوهای مفهومی** برآمده از نظریه مبنایی (Strauss & Corbin, 1998) عموماً دارای شش مولفه (محور) اصلی شامل شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، زمینه (ویژگی‌های زمینه‌ای)، مقوله کانونی (پدیده‌محوری)، راهبردها (مدالات) و پیامدها و نتایج است (شکل ۳). در این مطالعه، با تعریف دانشگاه سازگار با محیط به عنوان مقوله کانونی، راهبردهای سازگاری دانشگاه با محیط و پیامدها و نتایج دانشگاه سازگار با محیط (جامعه در حال تغییر و تحول) با رویکرد اکتشافی و آینده‌زنگر، استخراج شده است. به اختصار می‌توان گفت بر اساس یافته‌های پژوهش‌های دیگران (جدول ۱) راهبردها و پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط بر مبنای الگوی

هنجری^۱ نظام دانشگاهی مطلوب در افق آینده شناسایی شده‌اند. این راهبردها و پیامدها نیازمند الزامات، شرایط و زمینه‌هایی برای فعلیت و اثربخشی هستند. از این‌رو، به عنوان اولین پیش‌شرط، باید سیاستگذاری‌های آموزش عالی و نظام دانشگاهی در راستای ایجاد زمینه‌ها و فرصت‌های انطباق دانشگاه با جامعه باشد. سیاست‌ها و اقداماتی که موجب انفعال و انزواج دانشگاه و دور شدن آن از کارکرد مستوی‌پذیری و پاسخگویی در برابر نیازها و مسائل مبلاطه محیط علمی و اجتماعی باشد، با مفهوم دانشگاه سازگار با محیط پیرامونی در تضاد بوده و روند اضمحلال شکلی یا کارکردی نهاد دانشگاه را سرعت می‌بخشد. به عبارتی، از یک سو لازمه نتایج و پیامدهای مکشوف در این پژوهش، تحقق و فعلیت موثر راهبردها و مداخلات کارآمد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و از سوی دیگر، لازمه راهبردها و مداخلات مکشوف و موکد در این پژوهش، ایجاد شرایط محیطی، عوامل علی و ویژگی‌های زمینه‌ای موثر و توانمندساز است. فرض این پژوهش این است که سیاستگذاران و رهبران آموزش عالی و نهاد دانشگاه برای تحقق و فعلیت سازنده راهبردها تدبیر، خطمسی‌ها و راهکارهایی را اتخاذ کرده و این راهبردها را در خلا و به دور از واقعیات و شرایط محیطی به کار نمی‌گیرند.



شکل ۳: مؤلفه‌ها و محورهای اصلی در روش نظریه مبنایی (مهری، ۱۳۹۲)

راهبردها

بر اساس نظریه مبنایی، تحقق مقوله کانونی (دانشگاه سازگار با محیط) ناشی از شرایط و عوامل علی^۱ و با تأثیرپذیری از شرایط مداخله‌گر^۲ (محیطی) و شرایط زمینه‌ای^۳ است. اگر موقعیت و وضعیت موجود بدون مداخله، به حال خود رها شود ممکن است هیچ‌گاه فرصت و طرفیت فراهم شدن شرایط علی مورد نیاز برای تحقق مقوله کانونی، حاصل نشود. از این‌رو، راهبردها به عنوان عوامل و میانجی‌های تغییر، فرآیند تحقق مقوله کانونی (دانشگاه سازگار با محیط) را تسهیل و پشتیبانی می‌کنند. در عمل هر راهبرد، ناظر بر فعالیتها و اقدامات نظامیافته و هدفمندی است که برای تحقق پدیده دانشگاه سازگار با محیط، شرایط علی، محیطی و زمینه‌ای، طراحی و اجرا می‌شود. در این مطالعه، ۱۳ راهبرد کلیدی سازگارسازی دانشگاه با محیط (جامعه در حال تغییر و تحول) به شرح جدول ۳ با رویکرد اکتشافی و آینده‌نگر، استخراج شده است. با توجه به این که سعی شده است در نگارش عناوین راهبردها از ادبیات مصطلح و ساده محافل آموزش عالی و مدیریت و برنامه‌ریزی دانشگاهی استفاده شود، از تشریح و توصیف جداگانه راهبردها خودداری شده است. تاکید می‌شود که تحقق و فعلیت این راهبردها نیازمند سیاست‌ها، تدبیر و الزاماتی است که باید سیاستگذاران و رهبران آموزش عالی به کار گیرند.

پیامدها

بر اساس نظریه مبنایی، پیامدها محصول راهبردهای مؤثر مناسب با مقوله کانونی و شرایط و عوامل علی، محیطی و زمینه‌ای هستند. اگر راهبردهای مؤثری مناسب با شرایط محیطی و زمینه‌ای، طراحی و اجرا شوند به طوری که عوامل علی برای دانشگاه سازگار با محیط به وجود آید، پیامدهای مطلوب مدنظر حاصل می‌شود. در این پژوهش، چهار پیامد کلیدی دانشگاه سازگار با محیط به شرح جدول ۳ با تحلیل استناد، استخراج شده است. با توجه به اینکه در تدوین عناوین پیامدها از ادبیات مصطلح محافل آموزش عالی و مدیران دانشگاهی استفاده شده است، پیامدها تشریح نشده‌اند. در اینجا نیز تاکید می‌شود پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط بر مبنای الگوی هنجاری نظام دانشگاهی ایده‌آل در آینده، شناسایی و تنقیح شده است. به عبارتی، لازمه تحقق این پیامدها فعلیت و تحقق راهبردهاست و لازمه تحقق راهبردها شرایط محیطی است که تامین کننده

-
1. Causal Factors & Conditions
 2. Intervening Conditions
 3. Context Conditions

و موسس این شرایط و عوامل، سیاستگذاران و رهبران آموزش عالی هستند. از این رو، بدون انجام اقدامات موثر و سازنده در راستای تحقق راهبردها نباید انتظار داشت که پیامدها به صورت خودکار حاصل شوند.

نتیجه‌گیری

تجربه‌های تاریخی، شواهد و نتایج مطالعات آینده‌پژوهی آموزش عالی نشان می‌دهد تداوم حیات اثربخش و سازنده نظام دانشگاهی منوط به تامین الزامات و شرایط محیطی است. دانشگاه منفعلی که قادر به حل مسائل مبتلا به سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیستمحیطی جامعه نباشد دانشگاه کیفی نبوده و به لحاظ شکلی یا کارکردی وجود موثر نخواهد داشت. دانشگاهی که قدرت تعامل و تعادل پویا با نظامهای پیرامونی داشته و منشاء اثر در زیست‌بوم و زمینه محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی است به عنوان دانشگاه سازگارشونده (دانشگاه سازگار کردن دانشگاه با محیط اجتماعی) است. بر اساس روش‌شناسی این پژوهش، راهبردهای سازگار کردن دانشگاه با محیط شناسایی شده است: ۱. توسعه روابط علم و جامعه و همکاری با صنعت و دولت، ۲. مدیریت مالی دانشگاه با افزایش درآمدها و تنوع منابع مالی، ۳. اصلاح ساختار تصمیم‌گیری و شیوه اداره امور دانشگاه، ۴. تربیت شهروندان فرهیخته با صلاحیت علمی و حرفه‌ای و مسئولیت اجتماعی بالا، ۵. ایجاد ساختارها و فرسته‌های یادگیری منعطف، مجازی و مادام‌العمر، ۶ بازنگری مستمر در گروه‌ها و رشته‌های آموزشی و پژوهشی، ۷. ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی، ۸ ارتقای بهره‌وری (کارایی و اثربخشی) برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی، ۹. توسعه فعالیت‌ها و برنامه‌های میان‌رشته‌ای، ۱۰. بازتعویف استقلال و آزادی علمی، ۱۱. توسعه حرفه دانشگاهی با اهداف توسعه فردی و مسئولیت در برابر دانشگاه و جامعه، ۱۲. تجاری‌سازی برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی، ۱۳. افزایش مشارکت و همکاری میان دانشگاه‌ها، استادان و دانشجویان. همچنین، چهار پیامد کلیدی دانشگاه سازگار با محیط عبارتند از: ۱. تولید علم نافع در دانشگاه، ۲. دانشگاه در خدمت توسعه محلی و ملی، ۳. دانشگاه بهره‌ور، کیفی، کارآفرین، مسئولیت‌پذیر و پاسخگو، ۴. تحول سازمان، ارزش‌ها و چشم‌انداز دانشگاه همسو با نیازهای تحولی جامعه.

بر اساس یافته‌های آینده‌پژوهی‌های آموزش عالی، سازگار شدن و انطباق نهاد دانشگاه با الزامات و نیازهای سیال، دائمًا نوشونده و در حال تحول جامعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیستمحیطی و فناوری، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های نظام دانشگاهی کیفی، پویا و

متعالی در افق آینده است. نظام دانشگاهی باید به وسیله راهبردهای موثر با محیط علمی و اجتماعی به طور دائم سازگار شده و با جامعه و تحولات آن در تعادل پویا باشد. کلیدوازه اصلی و سرفصل تمامی نگرانی‌ها و مباحث جدی در زمینه آینده نهاد دانشگاه و آموزش عالی، در سازگاری نهاد دانشگاه با محیط پیرامونی است. نکته اساسی دیگر اینکه در موضوع سازگاری دانشگاه با محیط، محیط علمی شامل فرهنگ، هنجارها و اخلاقیات زیست‌بوم علم و دانش و محیط اجتماعی شامل کلیت محیط و جامعه در بعد سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فناوری است. از این‌رو، دانشگاه با منطق تعادل پویا باید با دو محیط شامل محیط علمی و ارزش‌های آن و محیط اجتماعی و الزامات و نیازهای آن، بدون سازشکاری، انفعال و انزوا، سازگار شود. پیش از این، ضرورت‌های مختصات و ویژگی‌های دانشگاه سازگارشونده به نحو شایسته‌ای توسط یمنی (۱۳۹۱ و ۱۳۸۸) تبیین شده است. با توجه به استفاده گزینشی از نظریه مبنایی و عدم ورود به محورهای شرایطی، شرایط مداخله‌گر و ویژگی‌های زمینه‌ای و مفروض دانستن مقوله کانونی دانشگاه سازگار با محیط، پیشنهاد می‌شود پژوهشی در زمینه الگوی مفهومی جامع آینده‌پژوهی آموزش عالی با این روش انجام شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود با استفاده از راهبردها و پیامدهای دانشگاه سازگار با محیط، راهبردها و پیامدهای ویژه انواع دانشگاه‌ها (دانشگاه جامع، دانشگاه فنی‌مهندسی، دانشگاه پژوهشی، دانشگاه کاربردی و...) شناسایی و تبیین شود. چرا که، دانشگاه یک عنوان کلی برای انواع سازمان‌های آموزشی و پژوهشی با محوریت آموزش عالی و پژوهش‌های سطوح عالی است. در حالی که دانشگاه‌ها دارای چشم‌اندازها و ماموریت‌های آموزشی، پژوهشی و خدماتی مختلفی بوده و انتظارات و توقعات از آنها متفاوت است.

منابع

الف) فارسی:

- استراس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۷). اصول روشن تحقیق کیفی نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۶). علم علم و تأمل پذیری. ترجمه (زنده‌یاد) یحیی امامی، تهران، مرکز تحقیقات علمی.
- بهروزی لک، غلامرضا و مخلص‌الائمه، فرزاد (۱۳۹۱). نسبت آرمانگرایی و واقعگرایی در آینده‌پژوهی اسلامی، چکیده مقالات کنفرانس ملی آینده‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی، مرکز پژوهشی مدیریت راهبردی فاتح.

سیاست و اقتصاد
 اسلامی ایران
 پژوهشی مدیریت راهبردی
 دانشگاه آینده و آینده دانشگاه

- پایا، علی (۱۳۷۹). دانشگاه آینده و آینده دانشگاه. رهیافت، شماره ۲۶.
- تاج‌آبادی، رضا؛ رحیمی، محمد و شعبانی، سمیه (۱۳۹۱). نقش آینده‌پژوهی در شناسایی فرصت‌های کسب‌وکار و کارآفرینانه. چکیده مقالات کنفرانس ملی آینده‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی، مرکز پژوهشی مدیریت راهبردی فاتح.
- تافلر، آلوین (۱۳۷۴). شوک آینده. ترجمه حشمت‌الله کامرانی، تهران، نشر سیمرغ.
- دلانتی، جرارد (۱۳۸۶). دانش در چاشن. ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- صالحی کردآبادی، سجاد (۱۳۹۱). آینده‌پژوه سیاسی در عصر جهانی‌سازی. چکیده مقالات کنفرانس ملی آینده‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی، مرکز پژوهشی مدیریت راهبردی فاتح.
- قربانی، سعید (۱۳۹۱). تاملات آینده‌پژوهانه در آرمانشهر مهدوی. چکیده مقالات کنفرانس ملی آینده‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی، تهران، نشر سیمرغ.
- کوی، لوتان (۱۳۷۸). آموزش و پرورش: فرهنگ‌ها و جوامع. ترجمه محمد یمنی، نشر دانشگاه شهید بهشتی.
- مافی، فرزانه (۱۳۹۰). پژوهشی در حوزه آینده‌پژوهی. تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- مشتاقی، غلامحسین و شاه‌محمدی، محمد (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی مدیریت پرونده‌های امنیتی بین‌المللی. چکیده مقالات کنفرانس ملی آینده‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی، تهران، مرکز پژوهشی مدیریت راهبردی فاتح.
- مهدی، رضا (۱۳۸۸). ارزیابی استراتژی‌های تولید علم در گروه فنی‌مهندسی کشور با تأکید بر چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران. رساله دکترا، دانشگاه شهید بهشتی.
- مورن، ادگار (۱۳۷۹). درآمدی بر اندیشه پیچیده. ترجمه افسین جهاندیده، تهران، نشر نی.
- مهدی، رضا (۱۳۹۲). شکل‌گیری و توسعه میان‌رشته‌ای‌ها در آموزش عالی: عوامل و الزامات. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۱۸، صص ۹۱-۱۱۸.
- مهدی، رضا (۱۳۹۲). پژوهش بر روی مفهوم‌شناسی آینده‌پژوهی در آموزش عالی. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (به منظور نگارش مقاله موظفی سال ۱۳۹۲).
- هیرش، ورنر و وبر، لوک (۱۳۸۱). چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم. ترجمه گروه مترجمان، به اهتمام مهندس رضا یوسفیان‌amlشی، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- یمنی‌دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۸). دانشگاه سازگارشونده: یک فرآیند پیچیده، رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی. تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی: صص ۱۳-۶۴.
- یمنی‌دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹۱). کیفیت در آموزش عالی. تهران، سمت.

ب) انگلیسی:

- Anayatullah, S. (2005). *Questioning the Future: Methods and Tools for Organizational and Societal Transformation*. Taipei, Taiwan: Tamkang University Press.
- Birnbaum, R. (1994). The Quality Cube: How College Presidents Assess Excellence. *Higher Education Management Journal*, 9(3), pp. 71-82.
- Blass, E.; Jasman, A. & Shelley, S. (2009). *Visioning 2030: The Future of the Higher Education sector in the UK*. Elsevier Ltd.
- Boer, H.; Huisman, J. & Charles, P. (2002). *Academia in the 21st century*. Den Haag: AWT.
- CHEMA (2006). The Future of Higher Education: A view from CHEMA, www.chemanet.org.
- Cohen, M. & March, J. (1974). *Leadership and Ambiguity: The American college president*. New York, Mc Grow- Hill.
- Delanty, G. (2001). *Challenging Knowledge: The University in the Knowledge Society*. Buckingham, Open U. Press.
- Delanty, G. (2004). *Does the University Have a Future? In Globalization and Higher Education*. Hawai`i U. Press, Honolulu: pp. 241-254.
- Delanty, G. (2005). The Sociology of the University and Higher Education: The Consequences of Globalization. In: The SAGE Handbook of Sociology. Sage Pub. Ltd, London, pp. 530-545.
- Etzkowitz H. & Leydesdorff (2000). The Dynamics of Innovation: From National Systems and "Mode 2" to a Triple Helix of University, Industry, Government Relations, Research Policy, 29, pp. 109-123
- Gardner, P. D. (1999). Meeting the Challenges of the New Millennium: The University's Role. Challenges facing H.E. at the millennium, Ch.2, USA, Oryx press.
- Ginkel, Hans, J. A. (1999). Networks and Strategic Alliances within and between Universities and with the Private Sector. Challenges facing H. E. at the millennium, Ch. 8, USA, Oryx press.
- Goldstein, P. J. (2006). The Future of Higher Education: A View from CHEMA, www.chemanet.org.
- Hirsch, W. Z. & Weber, L. (1999). Challenges Facing H. E. at the millennium. USA, Oryx.
- Huisman, J.; Boer, H. & Charles, P. (2011). The Future of English Higher Education: The Changing Landscape. London, LFHE.
- Jaspers, K. (1960). *The Idea of the University*. London, Peter Owen.
- Kubler, J.; Sayers, N. (2010). *Higher Education Futures: Key Themes and*

- Implications for Leadership and Management.* London, LFHE.
- Lin Tien, C. (1999). Future Challenges Facing American Higher Education. Challenges facing H. E. at the millennium, Ch. 16, USA, Oryx press.
- OECD (2005). Four Future Scenarios for Higher Education, CERI, www.oecd.org/edu/future/sft.
- Parsons, T. & Platt, G. (1973). *The American University.* Cambridge, Harvard U. Press.
- Power, M. (1997). *Audit Society.* Cambridge University Press.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research.* Grounded Theory Procedures and Techniques, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Watson S. David (2010). *Can We Really Manage the Future?* London, LFHE.

پژوهشی
شماره ۱ - ۹۴
دوره ۲۸ - پاییز
۱۳۹۰